

جایگاه درخت در باورهای اعتقادی و اسطوره‌ای ایرانی - بین‌النهرینی

جایگاه درخت در باورهای اعتقادی و اسطوره‌ای ایرانی - بین‌النهرینی

مهرداد نوری مجیری^۱

معصومه منیدری^۲

چکیده:

درخت زندگی درختی است نمادین که در میانه جهان قرار دارد. این درخت در اسطوره‌های ملل دارای جایگاه خاصی است و در فرهنگ‌های مختلف تکرار می‌شود. برای درخت در رویکردهای اسطوره‌ای و نمادین به سه مفهوم اصلی درخت کیهانی و درخت زندگی و درخت دانش اشاره شده است. از دوران پیش از تاریخ تصویر درخت و نمادپردازی آن در هنر ایران و بین‌النهرین دیده می‌شود. تداوم حیات درخت زندگی در هنر ایران نیز امری خودآگاه و میراث باستانی ذهن ایرانی است و به عنوان نماد حیات جاودانگی و سرچشمه زندگی یک کهن‌الگو است که همراه با سایر نماد وابسته به خودش که ردپای برخی از آن‌ها در اسطوره به چشم می‌خورد همچنان بر آثار هنری حضور دارد. در این مقاله سعی خواهد شد پاسخ‌هایی برای این سوال‌ها یافت شود: الف- دیدگاه انسان در دوران باستان پیرامون مرگ و باززایی طبیعت چه بوده و این چرخه را چگونه در قالب اسطوره یا آیین باروری در پیوند با نقش درخت مقدس زندگی به تصویر کشیده است؟ ب- نقطه مشترک درخت در اعتقادات و اساطیر مردمان ایران باستان و بین‌النهرین چیست؟ فرضیات مطرح: نقش‌مایه درخت مقدس زندگی از اعتقادات مردم و افسانه‌ها و اساطیر رایج در آن زمان سرچشمه گرفته و در آفرینش‌های هنری هنرمندان دنیای باستان به ظهور رسیده است. در پژوهش فوق کوشش گردیده با روش توصیفی - تطبیقی تاریخی با هدف شناخت نقش‌مایه این درخت و نمادهای وابسته به آن در اعتقادات ایران و بین‌النهرین در راستای شناخت اجزا و نقش‌مایه‌های فرعی‌تر هماهنگ با این بن‌مایه و ظهور و تداوم حیات این کهن‌الگو با نمادهای وابسته‌اش در اعتقادات مردمان این دو سرزمین بررسی گردد.

کلید واژگان: درخت، اسطوره، نماد، باورهای دینی، ایران باستان، بین‌النهرین

^۱ دکترری‌تلیخ ایلان قبل ا م ، پژوهش‌گر، مدرس، دانش‌گاه آزاد ا ی، واج تهران مرکزی
تهران، ایران) نوسن دمس‌ی‌ول)

^۲ . دانشجوی کارشناسی تاریخ، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

mahoormnidari@gmail.com

m.noorimojiri@yahoo.com

1- مقدمه

انسان برای انتقال آنچه در ذهن دارد ابزار گفتمان و نوشتار را به یاری می‌طلبد. زمان نیز مانند نوشتار مجموعه‌ای از نمادها را در بر می‌گیرد. نخستین کوشش‌های بشر برای انتقال مفاهیم در قالب نوشتار منجر به آفرینش تصاویری شد که هرچند برداشت‌های او به سبک انتزاعی است اما مفاهیمی منطبق با طبیعت را در بر می‌گیرد. بدین سان نخستین بارقه‌های ظهور تصویر یا به عبارتی آیگون شکل گرفت. همین نقوش، تصاویری نمادین را بر روی آثار هنری در دوره‌های تاریخی شکل دادند. اسطوره و نماد خاستگاه مشترکی دارند. در این ریشه مشترک همه مفاهیم جهان به هم پیوند می‌خورند. آنچه از طریق نماد به بیان می‌آید همان شیوه اسطوره‌ای تفکر است. در فرهنگ انسانی درخت و نمادهای وابسته به آن از عناصر مهم تأثیرگذار بر اندیشه آدمی بوده‌اند. ستایش درختان و گیاهان در همه دوران‌ها و در پدیده‌های دینی و جادویی به شکل وسیعی ریشه دوانیده است به طوری که این نوع ستایش، یک ویژگی الزامی و تکرار شونده در اغلب فرهنگ‌ها است. در پس این تکریم، مفاهیمی چون فراوانی، برکت و مضامین اصلی خلقت مانند آفرینش، مرگ و رستاخیز نهفته است. یکی از قدیم‌ترین وجوه درخت، تجسم جایگزینی اصل زندگی، نیروی حیات و نیروی رشد و نمو حیات گیاهی در آن، آمیخته با احساس‌هایی وهم‌آور است. اسطوره‌های اقوام مختلف در جای جای جهان از درختی یاد می‌کنند که در مرکز و یا ناف زمین واقع شده و محور جهان و سرچشمه زندگی است. از دوران‌های کهن تصویر درخت و نمادهای وابسته به آن بر اعتقادات دینی و اجتماعی نمایان گردید و این الگوی کهن که ردپای آن را می‌توان در اسطوره‌ها و باورهای تمدن‌های بزرگ پیدا کرد به صورت‌های مختلف درختی بر روی آثار مذهبی ظاهر می‌شود. در بین النهرین اقامتگاه خدای باروری و دانش‌های تمدن آفرین است و در مرکز آب‌ها قرار دارد (بلک و گرین، ۱۳۸۵: ۵۲) و در ایران به عنوان درخت زندگی و این گونه مطرح گردیده که از کیومرث که نمونه اولیه انسان است نطفه‌ای بر زمین ریخته می‌شود و بعد از گذشت چهل سال شاخه ریواسی از آن می‌روید. در نگاه دینی، زندگی بشر از باغ بهشت شروع می‌شود و با نزدیک شدن به درخت ممنوعه و خوردن میوه آن،

جایگاه درخت در باورهای اعتقادی و اسطوره‌ای ایرانی - بین‌النهرینی

در زمین خاکی ادامه می‌یابد و در آخر نیز در همان باغ موعود به جاودانگی می‌رسد. نمادهای وابسته به درخت مانند کوه، آب، ستون، پرنده، گاو، گوزن و ماهی را با اندک توضیحاتی می‌توان در منابعی که به آن‌ها به صورت کلی اشاره کرده‌اند به عنوان پیشینه مطالعاتی در نظر گرفت زیرا تاکنون بررسی مستقلی در رابطه با اساطیر و آیین‌های مربوط به درختان انجام نشده است از جمله می‌توان به: (James:1966, barning:1991, otmar:1997 و منابع فارسی مانند: دوبوکور:۱۳۸۷، مک کال:۱۳۸۵، فرنبرگ دادگی:۱۳۸۵ و تفضلی:۱۳۵۴) اشاره نمود که به ما کمک می‌کنند تا بتوانیم این نماد اسطوره‌ای را که در پس تاریخ گذشته به صورت کهن الگو ظاهر شده است را شناسایی کنیم.

تحقیق حاضر از نظر روش شناسی در رده تحقیقات توصیفی - تطبیقی با رویکرد تاریخی است که بر مبنای کتب در دسترس و شیوه کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. و فرضیه اصلی آن مفهوم نمادین درخت زندگی و تلقی آن به عنوان مرکز جهان، منشأ حیات و برکت در اسطوره‌های ایرانی و هماهنگی آن در همراهی با این مفاهیم با اسطوره‌های بین‌النهرینی و تداوم حیات آن‌ها در اعتقادات یکدیگر است.

2- بیان مسأله

درخت که یکی از کهن‌ترین و مکررترین نمادهای اسطوره‌ای در ایران است به شکل وسیعی در صورت‌های مختلف بر روی نقوش ظاهر گردیده است و مفهومی است که در علم، مذهب، فلسفه و اسطوره استفاده شده است، در این زمینه‌ها درخت زندگی به شکل درختی بر شاخه نشان داده می‌شود که نشان این ایده است که تمام حیات بر روی زمین به هم مرتبط است. این درخت انواع گوناگون دارد و بن‌مایه‌ای است در اسطوره‌های ایران و بین‌النهرین. یک مفهوم عرفانی است که به ارتباط متقابل تمام اجزای حیات بر روی سیاه زمین اشاره دارد و شادابی آن ضامن تداوم زندگی است. این نقش از جمله نقوش اساطیری مهمی است که راز و رمز به کارگیری آن توسط اسطوره پردازان و هنرمندان بزرگ تحریر شده است و دربردارنده رمز و

اکسیر جاودانگی است. در تاریخ ایران و بین النهرین موارد خاصی از درختان به دلیل برخی خصوصیات ذاتی دارای تقدس بیشتری بودند که این تقدس هنوز در باورها بقایایی دارد.

3- نماد و اسطوره

نماد از مقولاتی است که از آغاز مورد توجه قرار گرفته است. تاریخ نشان می‌دهد عناصر بسیاری می‌توانند مفاهیم نمادین یابند. عناصر طبیعی مانند: درخت، کوه، انسان، خورشید و یا آنچه به دست بشر ساخته می‌شود حتی اگر تجریدی باشد مانند نقاشی‌ها، اشکال و اعداد، ذهن انسان را به‌طور طبیعی به آفرینش نمادها متمایل می‌کند. مطالعه آثار هنری و اسطوره‌ها نشان می‌دهد این نوع تفکر نمادین که می‌تواند حالتی دینی به خود بگیرد چگونه ثبت می‌شوند. از طرفی اسطوره‌ها بیان‌گر ذهنیت فلسفی - دینی بشر است و در تعاریف مفاهیم نمادین راهگشاست. اما نماد چیست و چه تعریفی از آن را می‌توان ارائه داد؟ پیرس نماد را یکی از انواع سه گانه و اصلی نشانه می‌داند (احمدی، ۱۳۸۰: ۴۱). توماس فردریش نظر او را این‌گونه خلاصه کرده است: «یک نشانه می‌تواند با موضوع خود، شمایل، نمایه و نماد در ارتباط باشد. یک نماد نشانه‌ای است که ارتباط میان دال و مدلول را از طریق قرارداد ایجاد می‌کند مثلاً نشانه‌های زبانی» (مختاریان، ۱۳۸۷: ۴). به نظر جوزف کمپل باید میان نماد و نشانه تفاوت گذاشت در حالی که نشانه به واقعیت شناخته شده‌ای باز می‌گردد، نماد ارجاع بیرونی ندارد. یک نماد تولد مجدد ندارد و با شاخه صرف متفاوت است و به‌طور قطع نمی‌توان معنای روشن و مستدلی برای آن تعیین کرد (L.C, 1997). (۱۵): نمادها را نمی‌توان تفسیر کرد زیرا همه تجلی‌های نمادین ناشناخته‌اند (Ibid: 16). احمدی نیز معتقد است در هنر و اسطوره بین محسوس و معنا فاصله است (۱۳۸۰: ۲۶۸). با توجه به موارد فوق به نظر می‌رسد نمادها در اسطوره‌ها ظهور می‌یابند. در واقع از طریق مطالعه اسطوره‌ها می‌توان روابط میان عناصر نمادین که شاکله یک اسطوره است را بررسی کرد. جوزف کمپل از نمادهای اسطوره‌ای سخن می‌گوید و متذکر می‌شود «اعصاب و روان ما با خود خاطراتی

جایگاه درخت در باورهای اعتقادی و اسطوره‌ای ایرانی - بین‌النهرینی

دارند که شکل دهنده سیستم عصبی ما است و این مراسم و شعایر تشکیل دهنده نمادهای اسطوره‌ای هستند» (L.C, 1997: 2).

اما منشأ اسطوره و نماد چیست؟ نظریه یونگ در این زمینه جالب است. نظریه کهن‌الگویی یونگ و ناخودآگاه جمعی وی که ریشه اسطوره و نماد تلقی گردیده مورد توجه است، وی در کتاب انسان و سمبول‌هایش از مفهوم نماد آغاز می‌کند و از آن تعریف ساده‌ای بیان می‌کند. برای او نماد اصطلاح نام یا نمایه‌ای است که افزون بر معانی قراردادی و آشکار روزمره خود دارای معانی متناقضی است (۱۳۸۶: ۱۵). به نظر او کهن‌الگوها، اسطوره‌ها و ادیان، فلسفه‌هایی را پدید می‌آورند که بر ملت‌ها و تمامی ادوار تاریخ تأثیر می‌گذارند (همان: ۱۱۲). همچنین ناخودآگاه انسان امروزی توانایی آخرین نمادهایی که در قدیم در آیین‌ها و باورهای انسان بدوی نمود پیدا می‌کرد را دارد و حلقه پیوند میان اسطوره‌های اولیه و باستانی با نمادهای آفریده شده به وسیله ناخودآگاه وجود دارد (همان: ۱۶۱).

لوی - استروس در مقاله بررسی ساختاری اسطوره به این عقیده یونگ که یک الگوی اسطوره‌ای کهن‌الگو - دارای معنی مشخصی است خرده می‌گیرد (۱۳۷۳: ۱۳۷). برای یونگ درخت جزو نماد طبیعی است و به شکل نمادین سرچشمه زندگی انسان است اما به این دلیل که رابطه انسان و طبیعت قطع شده نیروی عاطفی عمیق ناشی از این تماس که موجب روابط نمادین وی می‌شد از میان رفته است (یونگ، همان: ۱۳۷).

4- مفاهیم نمادین درخت در اسطوره

است. در زبان پهلوی Tree درخت یا دروازه‌ای است که معادل عربی آن شجر و انگلیسی آن به معنای درخت و اورور به معنای گیاه است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۹۸۸۳). درخت را بسیاری Draxt از اقوام باستانی به عنوان جایگاه خدا یا در واقع خود خدا می‌پرستیدند. در ایران تقدس درخت بیشتر جنبه برکت بخشی را شامل می‌شده است (بهار، ۱۳۸۴: ۱۵۶). همچنین درخت نماد کیهان، که مارپیچ شاخه هر منبع باروری، نماد دانش و حیات جاودانی بود (هال، ۱۳۸۰: ۲۸۵). حرکت

از کیهان و کائنات پویای خلقت نماد می‌کند همواره پیدا گسترش بیرون به و شده آغاز مرکز از می‌آید (کوک، ۱۳۸۷: ۱۱). درخت جهانی، درخت زندگی و درخت شمار به خالق ثابت مرکز شناخت سه صورت مختلف از یک نماد است که در فرهنگ‌های مختلف ظاهر شده است و می‌توان سابقه ظهور این نماد را به عنوان یک کهن الگو در تمدن‌های مختلف پیگیری کرد. از این میان درخت کیهانی و درخت زندگی از نظر مفهومی بسیار نزدیک هستند. وجه مشترک این دو را می‌توان تلقی درخت به عنوان سرچشمه حیات و مرکز زندگی و جاودانگی دانست اما صورت سوم که درخت شناخت یا درخت خیر و شر نام دارد شکلی دینی شده از نماد درخت جاودانی است که میوه آن حیات بخش است و در تورات و قرآن به آن اشاره شده است. در ادبیات فارسی نیز اسامی فراوانی همراه با درخت زندگی در معانی آئینی به کار رفته‌اند که از آن جمله است: درخت آتشین و درخت سبز، درخت زندگی و درخت کیهانی، درخت روشنایی و مرگ (جوانی، ۱۳۷۳: ۳۶). درخت در نقش محور جهان، کوه و ستون و تمامی محورها را تداعی می‌کند. درخت همانند گور و کوهستان و سنگ و آب‌ها مظهر کل کیهان است (هال، ۱۳۸۰: ۱۴۳).

۴-۱- درخت کیهانی

یکی از کهن‌ترین توصیف‌های بازمانده از درخت بنا به آنچه که از آن در اسطوره‌های اولیه یاد شده درخت کیهان غول پیکری است که رمز کیهان و آفرینش کیهان است. نوک این درخت تمام سقف آسمان را پوشانده است و ریشه‌هایش سرتاسر زمین را در نور دیده و شاخه‌های پهن و بسترش در پهنه جهان گسترده است (تصویر ۱).

جایگاه درخت در باورهای اعتقادی و اسطوره‌ای ایرانی - بین‌النهرینی



(تصویر ۱) درخت کیهانی (James, 1966)

قلبش جایگاه آتش آذرخش است. خورشید و ماه و ستارگان در میان شاخ و برگ‌های این درخت همچون میوه‌های تابناک می‌درخشند (دوبوکور، ۱۳۸۷: ۴). در بین‌النهرین از درخت کیشکانو^۳ یاد می‌شود. لحظه گذار از مکان مقدس و تصویر عالم صغیر به درختی کیهانی که در عین حال خانه خدا نیز تصور شده و به نحو ستایش انگیزی در دعای بابلی محفوظ مانده است (تصویر ۲).



(تصویر ۲). لوح بابلی که به جایگاه کیشکانو اشاره دارد و نگهبانانی که از آن محافظت می‌کنند (Curtis:1990).

در اریدو^۲ (از شهرهای قدیم بین‌النهرین سفلی) درخت کیشکانوی سیاهی روییده که در مکان مقدس آفریده شده فروغش فروغ لاجورد تابان است و به سوی دریای آپسو^۳ گردن می‌کشد (الیاده، ۱۳۸۵: ۲۶۴). این درخت نمایشگر همه فضایل کیهانی است و در مرکز جهان واقع است و اقامتگاه خدای باروری و دانش‌های تمدن آفرین است (همان: ۲۶۴) و در حقیقت آمیزه‌ای از ویژگی‌های زندگی بخشی است که از آن به عنوان درخت کیهانی یاد و به عنوان جوهره خلاف هر چیزی می‌باشد (James, 1966: 13). در بین‌النهرین نیز عقیده بر این بود که چشمه‌ها، چاه‌ها و نهرها و رودها و اقیانوس‌ها و همه آب‌هایی که از زمین سرچشمه می‌گیرند درخت کیهانی در مرکز آن‌ها قرار دارد (بلک و گرین، ۱۳۸۵: ۵۲). به‌طور کلی در تصاویر باز مانده از این درخت، توت‌ها و الهه‌های ناشناخته در اطراف مشاهده می‌گردد که مناسبات میان این تصاویر با دانش کنونی ما، به روشنی مشخص و آشکار نمی‌شود. کریمال می‌گوید: از آنجا که روایات در باب نقش‌های خاص هر یک از توت‌ها یا الهه‌های گوناگون اختلاف و تفاوت دارند، دشوار است بتوان میان این عوامل گوناگون سازگاری ایجاد کرد (کریمال، ۱۳۷۶: ۱۹). هم چنین در تصاویر، درخت کیهانی گاهی با شاخه‌های مقسم و در عین حال اتصال دهنده دیده شده است، یا دو تنه و یک ریشه دارد و شاخه‌های آن‌ها به هم متصل هستند. این تصاویر مظهر عالم، از وحدت به کثرت رسیدن و دوباره به وحدت بازگشتن و اتحاد آسمان و زمین است (کوپر، ۱۳۸۶: ۱۴۴).

۴-۲- درخت زندگی

درخت مقدسی که منشأ حیات و زندگی است و به همین جهت مقدس است که بر اثر داد و ستدهای متقابل میان تمدن‌ها درخت زندگی که مایه زندگی جاوید است به رمز محور جهان

2- uridu

3- apsu

جایگاه درخت در باورهای اعتقادی و اسطوره‌ای ایرانی - بین‌النهرینی

تبدیل شده است و به انواع و اقسام درختان قدسی دیگر پیوست (دوبوکور، ۱۳:۱۳۸۷). درخت زندگی مفهوم درخت کیهانی را در شکل‌های گوناگون به همراه دارد و باید این دو مفهوم با یکدیگر و با توجه به مفهوم کیهان‌شناسی بررسی شود (jeams, 1966: 129). به نظر می‌رسد درخت کیهانی که در ناف زمین روئیده از این جهت با درخت زندگی مشابه است که این درخت چون منشأ و مایه حیات همه آفریدگان است درخت مرکزی محسوب می‌شود. این درخت به عنوان شاه درختان توصیف می‌شود. در بیشتر موارد درخت زندگی با آب زندگی پیوند دارد و این آب به‌عنوان آب‌های حیات بخش و جاودان کننده شناخته می‌شود (مختاریان، ۱۳۸۶: ۴).

بندهش، آفرینش گیاه را چهارمین مرحله از مراحل آفرینش می‌داند (بخش ۱ بند ۱۷) «از آفریدگان مادی نخست آسمان و دیگر آب و سه دیگر زمین و چهارم گیاه و پنجم گوسفند و ششم مردم و هفتم خود هرمزد بود» (فرنبغ دادگی، ۳۷:۱۳۸۵). سپس در بندهش نخستین گیاه را بی شاخه و بی پوست و خار و شیرین معرفی می‌کند (بخش ۲ بند ۲۵). این درخت همچون درخت کیهانی در مرکز یا میانه زمین قرار دارد و مانند درخت زندگی سرشت همه گیاهان در اوست. در بندهش درباره نبرد گیاه با اهریمن آمده است (بخش ۸ بند ۶۷) «نبرد را گیاه آغاز کرد آنگاه که خشک بشد امرداد امشاسپند^۶ که گیاه از آن اوست آن گیاه را نرم کرد با آبی که تیشتر^۷ بستد بیامیخت. از آن همه تخم گیاهان درخت بس تخمه^۸ فراز آفریده شد. در دریای فراخکرت^۹ فراز رست که همه نوع گیاه را تخم بدان درخت است و از او می‌رویند و نزدیک به آن درخت گوگرد^{۱۰} آفریده شد» (فرنبغ دادگی، ۶۵:۱۳۸۵). در این متن به دو درخت بس تخمه (همه تخمه) و گوگرد (هوم)

^۴ به معرله مقدسنا بی مرگ یا جاوران پاكسلت. آن ان طن فات پاك اور هزی ند.

5-tishtar

6- bas- tukhmeh

7- ریای فراخکرتی وورکش دیولس لتدر کنار لیلرز واقع است. معر ایت حلفظی آن بزبرگس احل و فراخکنار لت.

8- مهردانبه‌ار آنرا شاخگاو معر ا کیند (راشد مهردل: 129:1385)

اشاره شده که هر دو مفهوم درخت زندگی و درخت کیهانی را در بر دارند. از این بند می‌توان نتیجه گرفت که درخت بس تخمه که در میانه جهان قرار دارد درخت کیهانی و گوگرد که همان هوم درمان بخش است و باعث عمر جاودانی است درخت زندگی است. هر که برگ این درختان را بخورد جاودان گشته، به همین دلیل اینان را برگزیده و سرور گیاهان و درختان خوانند (کارنوی، ۱۳۸۳: ۲۸). در بین‌النهرین نیز درخت زندگی ترکیبی است از رستنی‌های گوناگون مانند درخت سرو، نخل (تصویر ۳)، تاک بن و خوشه‌های انگور و انار (تصویر ۴) (دوبوکور، ۱۳۸۷: ۱۳).



(تصویر ۳) درخت مقدس نخل آشوری (jeams:1966) (تصویر ۴) درخت مقدس انار آشوری (jeams:1966)

در اعتقادات سومری درخت زندگی سمبل نوسازی جهان بوده و درخت خرما نزد بابلی‌ها و درخت مو نزد آشوریان درخت زندگی محسوب می‌شد (تصویر ۵).



(تصویر ۵) آشوربانیپال زیر داربست مو (بریان: ۱۳۸۱)

جایگاه درخت در باورهای اعتقادی و اسطوره‌ای ایرانی - بین‌النهرینی

این درخت همیشه سبز و جوان و پابرجا بود که خود نمادی است از زندگی و بقای حیات (اکبری، ۱۳۷۴: ۴۷۶). درخت نخل در هنر هخامنشی (تصویر ۶) و ساسانی نیز درخت مقدس نامیده می‌شد که نمونه‌هایی از آن در گچ‌بری‌های کاخ بیشاپور موجود است (تصویر ۷). هر نخل دو جفت برگ خرما به شکل بال دارد که یکی بالای دیگری است. همچنین روی مهرهای ساسانی نقوش گیاهی مربوط به درخت نخل که مقدس بود و دو جانور شاخ‌دار دوسوی آن ایستاده‌اند دیده می‌شود (تصویر ۸).



(تصویر ۶) اثر مهر استوانه‌ای. یک سردار هخامنشی (تصویر ۷) درخت نخل در گچ‌بری بیشاپور (انصاری: ۱۳۶۶)

شاه مصری را تهدید می‌کند. درخت نخل در روی اثر دیده می‌شود (موزه ارمیتاژ)



(تصویر ۸) اثر مهر دوره ساسانی. تصویر دو جانور در دو سوی درخت زندگی (انصاری: ۱۳۶۶)

درخت زندگی و درخت کیهانی سمبلی مرتبط با آفرینش هستند که به صورت یک درخت عظیم با ریشه‌ها و شاخ و بن در دریا و یا در مرکز زمین یا در آسمان و در سراسر زمین تجسم می‌یابند. این گیاه زندگی بخش در بین‌النهرین در اسطوره گیل‌گمش مطرح می‌شود (James, 1966) (13): گیل‌گمش براساس رهنمود (اوت - نپیش تی)^{۱۱} یکی از رازهای خدایان که گیاه جوانی دوباره است را در قعر دریا پیدا می‌کند اما ماری این گیاه را از او می‌دزد (مک کال، ۱۳۸۵: ۶۵). این درخت در فرهنگ آشوری جایگاه نمایانی داشته است. دانشمندان به هنگام کاوش در شهرهای این دولت اغلب با نقش گاو بالدار مواجه می‌شدند که در برابر درخت‌های زندگی ایستاده یا زانو زده‌اند (jeams, 1966: 17). در آشور این درخت نگهبانانی داشته که به شکل نیم انسان و نیم حیوان بودند. از پلاک عاجی که در زیویه کشف شده نیز دو بز مشغول خوردن میوه درخت زندگی می‌باشند (تصویر ۹). در این جا درختی به شیوه درختان آشوری بوده و حالت بزها یادآور داستان گیل‌گمش است (ایونس، ۱۳۸۱: ۱۲۶).



(تصویر ۹) دو بز در طرفین درخت مقدس (jeams: 1966)

¹¹ - Ut - Napisti

جایگاه درخت در باورهای اعتقادی و اسطوره‌ای ایرانی - بین‌النهرینی

قدیمی‌ترین نقوشی که از این درخت به دست آمده در سومر بوده است که حیواناتی از آن نگهداری کرده یا آن را می‌چرند. نقش درخت زندگی زمانی نخل در بین‌النهرین و گاهی کاج و سرو بوده است (تصویر ۱۰) (jeams, 1966:18).



(تصویر ۱۰) مهر استوانه ای بر روی گل ۵۰۰۰ ق.م. شیطان به صورت مار در پشت حوا دیده می‌شود و در میان آن‌ها درخت نخلی که درخت زندگی یا دانش است می‌باشد (موزه بریتانیا)

بر روی یک لوحه بسیار زیبا مکشوفه از لرستان که متاسفانه نیمی از آن از بین رفته درخت مزبور را دو گاو بالدار احاطه کرده‌اند. این درخت همان نخل مقدس سومری است. زیر پای گاو بالدار دو مار درهم پیچیده دیده می‌شود که اشاره‌ای است به داستان تورات و نیز الهه باروری ایشتار و یا آن‌هیتای ایرانی (گدار، ۱۳۵۸: ۵۷). در یک روکش تیردان که کنده کاری از جنس مفرغ است و مربوط به سُرخ‌دُم لرستان در پایین‌ترین قسمت آن تصویر درختی است که دو طرف آن دو جاندار بالدار ایستاده‌اند (تصویر ۱۱). این تصویر از نمونه‌های اولیه درخت زندگی در ایران باستان است. در نهایت نقش درخت زندگی در بین‌النهرین جنوبی (تمدن سومر) و بعدها در هنر بابل، آشور، ایلام و به خصوص برنزکاران لرستان به عالی‌ترین شکل خود می‌رسد و در دوره هخامنشی، پارتی، ساسانی و در دوران اسلامی نیز به اشکال گوناگون در دست ساخته‌های مختلف دیده می‌شود (ریاضی، ۱۳۷۵: ۶۷).



(تصویر ۱۱) روکش تیردان مفرغ کاری لرستان. ۸۰۰ ق. م. موزه متروپولیتن (پوپ: ۱۳۸۷).

۴-۳- درخت خیر و شر در متون دینی

باور به اینکه درخت، حقیقت را در خود نهفته است باوری بسیار کهن است که در ادیان مختلف نیز قابل مشاهده است و توصیفی که از آن می‌شود نزدیک به توصیف درخت زندگی است. درخت ممنوع درختی است که مطابق با روایات متعدد به‌رغم منع پروردگار آدم و حوا از آن خوردند و از بهشت اخراج شدند. خداوند فرمود: «ای آدم خود و همسرت در این باغ سکونت‌گیر و از هر کجای آن خواهید فراوان بخورید و به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود» (بقره، ۳۵). به روایت تورات این تهدید بدان سبب بود که مبادا آدم به درخت حیات دست درازی کند و جاودان گردد (نصر پیدایش، باب ۲، آیه ۱۶ و ۱۷). به گفته یاحقی در تورات آن را درخت معرفت و نیک و بد دانسته‌اند (۱۳۸۶: ۸۰۹). ابن‌عربی در رساله شجره الکون جهان را مانند درختی تصور می‌کند که از تخم کلمه به وجود آمده و رسول‌الله که نور حقیقت محمدیه است ریشه و میوه آن درخت جهانی است. این درخت اغلب به معنای

جایگاه درخت در باورهای اعتقادی و اسطوره‌ای ایرانی - بین‌النهرینی

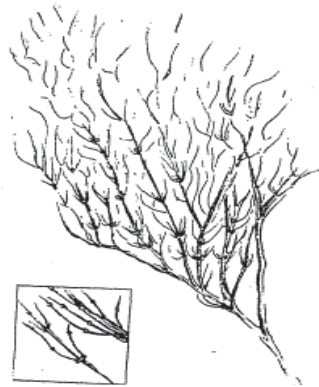
محور جهان در مرکز ناف زمین مستقر است (شایگان، ۱۳۸۶: ۳۲۸). در میان هندوان نیز درختی به نام انجیر را بودی^{۱۲} می‌نامند چرا که خدای شیوا برای خطبه‌های مذهبی زیر درخت بانیان می‌نشسته است. بودا نیز زیر درخت پیتال به وارستگی دست یافت (دادور، ۱۳۸۵: ۲۰۰). به نظر کوماراسوامی «درخت معرفت در اساتوپای سانچی در قالب اشکال نرده‌ای - معرف نیل به تصویر اشرافی است» (۱۳۸۲: ۷۴). در کتاب شکندگمانیک وزار، گزارش گمان‌شکن اثر کلامی ارزنده‌ای از مردان فرخ به نگارش درآمده است. در فصل اول این کتاب دین را به درختی تشبیه می‌کند که تنه آن پیمان است و دو شاخه اصلی آن انجام دادن و پرهیز کردن و سه شاخه کوچکتر آن اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک و چهار ساقه آن چهار طبقه اجتماعی یعنی موبدان، ارتشتاران، کشاورزان و پیشه‌وران است (آموزگار، ۱۳۸۷، ۶۹). در دین مانی نیز یکی از شرایط وارد شدن به کیش او، نیاز زدن درخت و گیاه است (جلالی نائینی، ۱۳۸۴: ۲۵۸). در ونیدداد فرگرد پنجم بخش ۴ بند ۲۴ آمده است: «این داد دیو ستیز زرتشت در مهی و بهی و زیبایی در برابر دیگر دین‌ها چنان است که درختی تناور، گیاهان خرد، را در سایه سار خود بپوشاند.» (دولتخواه، ۱۳۸۱: ۷۰۸).

براساس این گزارشات می‌توان نتیجه‌گرفت اگرچه درخت در متون دینی ایرانی وارد شده و حتی در مراسم نیایش از اهمیت بسیاری برخوردار است و با نام درخت مزدا آفریده، ستایش می‌شود اما با آنچه که در تورات و روایات از درختی سخن گفته شده که میوه آن عمر جاودانی و معرفت به انسان می‌بخشد قدری متفاوت است. در متون زرتشتی از درخت مقدس یاد می‌شود و به نوعی قداست آن حفظ شده و بارها در اوستا از آن به هوم^{۱۳} (تصویر ۱۲) نام برده شده است. اما این نکته که میوه آن مایه معرفت شود در این گزارشات مطرح نشده است. در کتاب گاهان زرتشت آمده: «از جمله پیشکش‌هایی که برای همه ایزدان تقدیم می‌شود می‌توان به آمیزه‌ای از

10- budi

¹³شوبتی مقدس اژی‌ره گیاهی اهلدرای گیاهی در بلو تلطلفات دور دل‌ن‌ده مرگ، زگون، درخشان
توصیفش دهاس بمی)رف خرطی: 180:1367.

افشره هوم با گیاه خوشبوی هذائیتا^{۱۴} که اگر شیر را بدان درآمیزند پراهوم^{۱۵} خوانده می‌شود» نام برد (رایشلت، ۱۳۸۳: ۳۳۰).



(تصویر ۱۲) گیاه هوم (زرور) در کوه شاه باوران لرستان (میرشکرایبی: ۱۳۷۹)

مفهوم درخت زندگی و کیهانی در اسطوره‌ها بسیار به هم نزدیکند و صورت دینی نماد درخت به شکل‌های مختلف در ادیان ظاهر می‌شوند و به نظر می‌رسد این نماد کهن در مذاهب مختلف تبدیل به درخت معرفت می‌گردد. رابطه دین و درخت رابطه‌ای عمیق است. بابلیان باور داشتند که در مدخل شرقی آسمان دو درخت است. یکی درخت حقیقت و دیگری درخت زندگی (الیاده، همان: ۲۷۷).

5- درخت در اسطوره‌های آفرینش ایران - بین‌النهرین

اسطوره آفرینش کیهان در نظر باورمندان اسطوره از هر نظر کامل و آرمانی است و می‌تواند الگویی برای آفرینش و پدید آمدن هر چیز نو باشد. هر آفریده نو همچون پیدایی گیاه، جانور و...

14 - نوع گیاه شی‌بو است پهلوی آن هیناک بلت.
15 هشریوگی اوم که با آب زومرو شهری آهی شده باشد.

جایگاه درخت در باورهای اعتقادی و اسطوره‌های ایرانی - بین‌النهرینی

اسطوره‌ای در پی دارد. بنابراین ظهور پدیده‌های نو به اسطوره‌های ریشه و بن مربوط است که خود از اسطوره آفرینش نشأت می‌گیرد (اسماعیل پور، ۱۳۸۷: ۸۹). در اسطوره‌های ایرانی آفرینش کیهان چنان که در بندهش آمده است (بخش ۱، بند ۱۷) به ترتیب زیر انجام شده: «از آفریدگان مادی نخست آسمان دیگر آب سه دیگر زمین چهارم گیاه پنجم گوسفند، ششم مردم و هفتم خود هرمزد بود» (فرنبرگ دادگی، ۱۳۸۵: ۳۷). در اسطوره زرتشتی آفرینش جهان دوازده هزار سال به طول انجامید که سه هزار سال به خلق مینوی خرد گذشت. اورمزد، امشاسپندان، ایزدان و مینوهای جهان مادی، آسمان و آب و زمین و گیاه را آفرید (قلی زاده، ۱۳۸۸: ۴۹). گیاه و گاو نخستین و کیومرث در واقع نمونه‌های نخستین و منشا گیاه و مردم بودند که با نازش اهریمن در سه هزار ساله سوم هر دو می‌میرند. از نطفه کیومرث مشی و مشیانه به هیات ریواس زاده می‌شوند و از اندام او فلزات هشت‌گانه به وجود آمدند (تصویر ۱۳). این دو با هم درختی را تشکیل می‌دادند که حاصل آن ده نژاد بشر بود، سرانجام وقتی به صورت انسان درآمدند، اورمزد مسئولیت‌هایشان را به آنان آموخت (هیلنز، ۱۳۸۷: ۹۱).



(تصویر ۱۳). مشی و مشیانه. آثارالباقیه مکتب ایلخانی ۷۰۷ ه.ق (کتابخانه ادینبورو)

در بندهش (بخش ۸ بند ۷) چنین آمده است: «از آنجا که تن کیومرث از فلز ساخته شده بود از تن وی هفت گونه فلز پیدایی آمد. از آن تخم که در زمین رفت به چهل سال مشی و مشیانه

برستند که از این ایشان رونق جهان و نابودی دیوان و از کار افتادگی اهریمن بود» (فرنیغ دادگی، همان: ۶۶) و در آغاز هزاره هفتم در پی نازش اهریمن بر زمین و آسمان ایزدی به نام تیشتر با جام ابر از آب‌هایی که در آغاز آفریده شده بود آب برداشت و به همراهی باد و باران بزرگ زمین را نمناک کرد. در پایان این سه هزار ساله زردشت ظهور کرد (قلی زاده، همان: ۵۰).

دیگر اسطوره‌های آفرینش به نوعی کشته شدن غول نخستین و آغاز آفرینش و نیز ارتباط گیاه و آفرینش جهان را مطرح می‌کنند. به‌عنوان مثال در بین‌النهرین پس از کشته شدن غول خدای نخستین تیامت^{۱۶} است که مردوخ جهان مادی را خلق می‌کند و از اندام‌های او زمین و آسمان و کوه‌ها و دیگر چیزها را می‌آفریند (بهار، ۱۳۸۱: ۳۹۸) و ازدواج مقدس اینانا^{۱۷} و تموز^{۱۸} نمونه دیگر آفرینش جهان است (بلک و گرین، ۱۳۸۵: ۹۴).

6- درخت زندگی در بهشت ایرانی - بین‌النهرینی

بهشت با چشمه‌ای مرکزی و چهار رود جاری در چهار جهت مرکز معنویت اولیه و خاستگاه تمام مذاهب است. در سراسر جهان آن را محل جاودانگی می‌پندارند. این مرکز تغییر ناپذیر در قلب جهان نقطه ارتباط میان آسمان و زمین است (شوالیه گری: ۱۳۸۷: ۱۳۵). در مرکز کیهانی ارتباط کامل بین خدا، انسان‌ها و همه موجودات زنده وجود دارد و جایگاه بی‌مرگی است (کوپر، ۱۳۸۶: ۶۳). در مرکز همه باغ‌های بهشت دو درخت حیات و معرفت و مرگ و بی‌مرگی وجود دارد. از ریشه‌های درخت حیات رودی می‌جوشد که در چهار جهت اصلی جاری هستند (همان، ۶۴).

واژه بهشت از ریشه ایرانی و باستانی پردیس است و به معنای باغی محصور و به‌ویژه گردشگاه یا شکارگاه سلطنتی است (وارنر، ۱۳۸۷: ۵۹). در مینوی خرد (بخش ۶ بند ۸) بهشت در سه طبقه

11-tiyamat

12- inana

13- tamuz

جایگاه درخت در باورهای اعتقادی و اسطوره‌ای ایرانی - بین‌النهرینی

بنا شده است. مینوی خرد پاسخ داد بهشت از ستاره پایه تا ماه پایه، دوم از ماه پایه تا خورشید و سوم از خورشید پایه تا گروتمان اونجا که آفریدگار اورمزد برنشیند و بهشت نخست اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک است (تفضلی، ۱۳۵۴: ۲۰). پارسیان در بهشت آسوده از پیری و مرگ، غم و آسیب‌اند (همان ۲۱). در بهشت درختی است که یمه زیر آن با خدایان به نوشیدن می‌پردازد در حالی که نوای نی خوش، گوش را می‌نوازد. این درخت انجیری است که خدایان در آسمان سوم در زیر آن زندگی می‌کنند (قلی زاده، ۱۳۸۸: ۱۳۹). معنای بهشت ارتباط با حیات پس از مرگ دارد و مانند باغی با درختان و گیاهان مقدس توصیف می‌شود که به مفهوم هند و اروپایی آن برمی‌گردد (James, 1966: 69). به نظر جیمز «مفهوم بهشت در ایران مرتبط با مفهوم هوم زرد است که اهورمزدا آن را بر روی کوه هرائیتی در البرز کاشت و این گیاه نمونه اولیه گئوگرن (تیغ سفید) بخشنده حیات ابدی است. هئومای ایرانی در دیگر گیاهان دارویی نیز یافت می‌شود. آن‌ها در آب‌های دریاچه (و روکش) هستند (قلی زاده، همان: ۷۹).

بهشت دیلمون در خلیج فارس، جنوب ایلام، جزیره‌ای در بحرین فرض شده است. درخت سدر سیاه یا سدر آزاد در آن جا مطرح می‌شود. چشم‌انداز آن سرزمین ناب خدایان است. جایی که پاکی و سعادت غالب بود و درخت زندگی در آن رشد می‌کرد (jeams ibid: 68).

به نظر می‌رسد این اسطوره‌ها مقدمه برپایی بهشت بابلی شد. در بهشت، فرشتگان، نگهبان ابدی هستند. مفهوم بهشت در بین‌النهرین همراه با رودخانه‌های جاری و درخت زندگی و گیاهان شفابخش در دوره‌های بعد به قلمرو حکومتی بهشتی تبدیل شد. بهشتی که جایگاه خدایان بود. دیلمون و باغ عدن، باغ پر از نور همراه با کوه مقدس، آب‌های تازه و سنگ‌های جادویی، میوه‌های اعطا کننده، فرزاندگی الهی و نامیرایی است (تصویر ۱۴) (James, 1966: 60).



(تصویر ۱۴) درخت زندگی و درخت دانش در باغ بی‌مرگی، مهر سومری، ۲۵۰۰ ق.م (Baring, 1991, 104)

7- نمادهای مشترک درخت ایرانی - بین‌النهرینی

۷-۱- شهریار - درخت

فریزر معتقد است: «شاهان باستان عموماً کاهن نیز بوده‌اند. در آن ایام الوهیتی که در شاه متجلی است از اعتقادی ژرف بر می‌خاست. شاه نه فقط به عنوان کاهن یعنی واسطه بین انسان و خدا بلکه به عنوان خدا حرمت داشت و می‌توانست موهبت‌هایی را به رعایا و بندگان ارزانی دارد. بدین ترتیب اغلب از شاهان انتظار می‌رفت که محصول برویانند» (۱۳۸۶: ۸۴). همانگونه که خدایان در درخت مسکن می‌گزیدند یا بر روی آب‌های اولیه تولد می‌یافتند تجدید حیات سالیانه او در درخت و حیات گیاهی تجسم می‌یافت. شاهان ارتباط تنگاتنگی با درخت داشتند. برای مثال آجر قالبی مربوط به تزئینات بدنه دیوار خارجی معبد این - شوشیناک در شوش حاوی تصاویر یک مرد و زن در کنار درخت نخل انتزاعی است. نقش مرد به صورت اسطوره‌ای است (تصویر ۱۵) (صراف، ۱۳۸۷: ۹۹).

جایگاه درخت در باورهای اعتقادی و اسطوره‌ای ایرانی - بین‌النهرینی



(تصویر ۱۵) مرد و زن در کنار درخت نخل (شوش) (shahbazi, 138:2001)

در ایران باستان شاه را می‌توان منشأ برکت و فراوانی تلقی کرد. در یشت‌ها آمده است: «جمشید خوب رمه، آن فره‌مندترین مردمان، آن هورچهر، آن که به شهریاری خویش جانوران و مردمان را بی‌مرگ و آب‌ها و گیاهان را نخشکیدنی و خوردنی‌ها را نکاستنی ساخت» (رایشلت، ۱۳۸۳: ۱۹۵). در ایران باستان درخت منتسب به اهورامزدا بود (پور داود، ۱۳۴۷: ۴۵) و مهر خدای ایرانی در بطن درخت با نیلوفر ظهور می‌یافت (ملک زاده، ۱۳۸۶: ۲۷۳) و به فرمان جمشید جن و شیاطین به غرس اشجار (کاشت درخت) پرداختند (صدیقیان، ۱۳۸۶: ۸۲).

در میان‌رودان درخت زندگی به صورت‌های مختلف در معماری کاخ‌ها و اشیاء باستانی کاربرد داشت. از این رو در پایتخت‌های کهن بین‌النهرین، سرستون‌های اورشلیم، سامره، بر امواب راحل در حد فاصل اورشلیم و بیت‌الحم این نقش‌مایه به کار رفته است. بر نقش برجسته‌های عاج تخت خواب شهریاری یافت شده از راس الشمره دیده می‌شود که در نقش‌های این تخت موتیف درخت زندگی با نیلوفر آبی ترکیب شده است (گری، ۱۳۷۸: ۷۲). بدین سان درخت زندگی یکی از نمادهای تندرستی و سعادت شهریار و فراهم شدن سعادت اجتماعی توسط شاه بود.

در نقاشی دیواری یکی از کاخ‌های آشوری یافت شده در ماری در کناره فرات، شاه در حالت خلعت گرفتن از ایشتار خدای بابلی با نماد ویژه‌ای یعنی شیر مشخص شده است (تصویر ۱۶). دو درخت خرما به شکل قرینه در این فرسک درخت زندگی است و دو کریپ^{۱۹} آنها را پاسداری می‌کنند و این واژه همان کروپ عبری در کتاب مقدس است (سفر پیدایی، ۳: ۳۴). کریپ پاسدار درخت زندگی است (گری، همان: ۱۰۴)



(تصویر ۱۶) نقاشی دیواری، کاخ زیمری لیم در ماری، هزاره‌ی دوم ق.م (بلک و گرین، ۱۳۸۵: ۳۶)

در شماری از مهرهای آشوری نیز درخت زندگی همراه با رفتار آئینی با خدای آشور و یا سمبل خورشیدی اش دیسک بالدار ارتباط دارد. خدا در حلقه بالدار بر فراز درخت مجسم می‌شود و دیسک بالدار نشان آسمان و حامی ستون مقدس بود (تصویر ۱۷) (James, 1966:4).

جایگاه درخت در باورهای اعتقادی و اسطوره‌ای ایرانی - بین‌النهرینی



(تصویر ۱۷) مهر آشوری کوه کیهانی و درخت کیهانی را نشان می‌دهد (kell, 1997, 29)

شاه چون واسطه باروری و حاصلخیزی از طریق ازدواج مقدس با یک خدای بانوی باروری است پاسدار زندگی است و در نقش برجسته آشوری شاه گویی در حال بارورکردن درخت زندگی است (گری، ۱۳۷۸: ۱۰۱).

۲-۷- خورشید - درخت

در بیشتر سنت‌ها خورشید پدر و ماه مادر عالم است. خورشید هم نماد زندگی و هم مرگ و هم تجدید حیات پس از مرگ است. نمادهای خورشید عبارتند از: چرخ گردان، دیسک، دایره با نقطه مرکزی و صلیب شکسته (کوپر، ۱۳۸۶: ۱۳۲). گاهی خورشید به شکل میوه روی درخت حیات تصویر شده است. نماد درختی که در آسمان سه شاخه‌اش گسترده است و شاخه‌های سه خورشید را دربر گرفته‌اند. در حالی که چهارمین خورشید، خورشید بزرگی است که در پشت تنه درخت قرار گرفته است. جایی که شاخه‌ها تقسیم می‌شوند و نماد خدای شیوا و یَشنو در بین‌النهرین است (Alviella, 1984: 61).

ارتباط میان خورشید و درخت به شکل ظریفی در مهریشت بیان شده است (کرده ۳۵، بند ۱۴۵) و این ارتباط جایی است که در ستایش خورشید برسم به دست گرفته می‌شود. مهر و اهورمزدای

بزرگ فنا ناپذیری مقدس را ما می ستائیم، ستارگان و ماه و خورشید را نزد گیاه برسم و آن مهر را که سرور سراسر مملکت است ما می ستائیم (پور داود، ۱۳۴۷: ۵۰۳).

۷-۳- ماه - درخت

ماه کنترل کننده جزر و مد، باران، آبها، سیلها و همه زندگی است. در دوره نئولیتیک ماه هنوز تصور اولیه‌ای از تولد، رشد، تپه شدن و مرگ است (Baring, 1991: 19). چهار فصل بازتابی از چهار مرحله تکامل ماه بود. صلیب چهار شأن ماه بود که بعدها تبدیل به سواستیکا یا نگاره چهار یا هشت بازویی شد (ibid:49). هلال ماه در دست الهه لاسل و بر روی سر آستارته بابلی دیده می شود که نماد اوست (ibid:45). اکرمین ماه را اولین خدای تمدنهای اولیه ایران و ایلام می داند (صمدی، ۱۳۶۷: ۱۶۵). در آیین زرتشتی ماه فزاینده گیاهان است. بنابر بندهش (بخش ۱۱ بند ۱۶۵) ماه فره بخش جهان است و پانزده روز افزایش و پانزده روز کاهش یابد. درختان نیز بر آن هنگام بهتر رویند و میوهها بیشتر رسند (فرنبح دادگی، ۱۳۸۵: ۱۱۰). در خرده اوستا بند ۷ از ماه با عنوان «آن سودمند گیاه رویاننده آباد کننده یاد شده است» (رایشلت، ۱۳۸۳: ۲۳۵). بنابراین گزارشات ماه و درخت ارتباط تنگاتنگی با هم دارند.

۷-۴- اسب - درخت

یکی از نمادهایی است که در آثار هنری به تنهایی یا همراه با سوارش در کنار درخت دیده می شوند. این نماد به دلیل ارتباط آن با حیات گیاهی، باران آوری و الهه مادر قابل توجه است. در هوم شیت (هات ۱۱ بند ۱) چنین آمده است: «بی گمان پاکان سه گانه اند، گاو، اسب و هوم نفرین خوانند، گاو زوت را، اسب سوار را و هوم نوشنده را» (دوستخواه، ۱۳۸۱: ۱۵۱). در بین النهرین نیز کاسیها در ۱۸۰۰ ق.م الهه پرورش اسب به نام میرمیزیر^{۲۰} را ستایش می کردند.

جایگاه درخت در باورهای اعتقادی و اسطوره‌ای ایرانی - بین‌النهرینی

گاه در آثار بین‌النهرینی اسب با نشانه گیاهی همراه است که نماد نقش نمادین او در آیین‌های فصلی باروری و تجدید حیات قدرت زندگی است (baring, 1991: 31).

۷-۵- بز - درخت

رابطه بز و درخت در ایران در یک متن نوشته شده به پهلوی آمده است. این کتاب از آثار اشکانی بوده و در زمان ساسانیان بازنویسی شده است (تسلیمی، ۱۳۸۹: ۲۲). منظومه درخت آسوریک در شمار اندک متون غیر دینی است که برجای مانده است که در آن شاهد گفتمان درخت آسوری و بز هستیم که در فرجام به برتری بز می‌انجامد. شاید بتوان بز را نماینده دین زرتشت و درخت آسوریک را نماینده دین چندگانه‌پرستی آشور دانست. در خور نگرش است که در آیین دینی آشوریان درختی خشک به کار می‌رفته که آن را با زر و زیور ساختگی می‌آراستند و بی‌پروا و خشن بودن بز را هم در گفتگو با درخت می‌توان دلیل بر برتری اجتماعی مزداپرستان دانست. برخی، نگاره‌های بز را نماد آ‌ خدای فرزانه که یادگار سومری‌هاست می‌دانند که به بابلی‌ها رسیده و آن را الهه آب شمرده که در آبگیری می‌چرخد (بختورتاش، ۱۳۸۰: ۶۱).

۷-۶- مار - درخت

مار مظهر طبیعت غریزی آغازین، جوشش ناگهانی و بدون کنترل و تفکیک نشده قوه حیات و روح بخش است و واسطه زمین و آسمان، زمین و آب و خصوصاً درخت کیهانی است (کوپر، ۱۳۸۶: ۳۳۰). مار چون کشنده است خطر ویرانی و مرگ است و چون پوسته اندازی می‌کند به مفهوم زندگی و رستاخیز است و در مواردی سمبل مار نقش منفی می‌پذیرد. مار کیهانی با چمبره‌هایش پایه ستون کیهان را می‌فشرد و تمام خدای بانوان طبیعت با مار همراهند (شوالیه و گربران، ۱۳۸۷: ۷۵). در بندهش (بخش ۵ بند ۴۳) مار و اژدها از جانوران اهریمنی است (فرنبرگ دادگی، ۱۳۸۵: ۵۲). در اسطوره‌های بین‌النهرینی نامو الهه مار عظیمی است که در عمق زمین قرار دارد و زایش را به زمین و آسمان می‌دهد (الیاده، ۱۳۸۵: ۶۴). در داستان گیل‌گمش نیز از سکونت مشترک یک مار و یک پرنده در یک درخت تبریزی حکایت می‌کند (مک کال، ۱۳۸۵:

۸۴). در داستان سومری گیل‌گمش و درخت هلوب از سکونت مشترک یک مار و یک پرنده در یک درخت تبریزی حکایت می‌کند (همان: ۸۴). در بین‌النهرین مار با خدایان نیز در ارتباط است (بلک و گرین، ۱۳۸۵: ۲۷۶).

۷-۷- ماهی - درخت

ماهی نماد عنصر آب و مرتبط با مفهوم تولید یا تجدید دوره است (شوالیه و گبران، ۱۳۸۷: ۱۴۰). ماهی نماد زندگی و باروری است. در بین‌النهرین ماهی علامت مشخص آ و تموز است و اگر تداعی گراشتار باشد مظهر تأنیث و عشق و باروری است (تصویر ۱۸) (کوپر، ۱۳۸۶: ۳۴۳).



(تصویر ۱۸) الهه مادر یا ماهی در رحم (barning, 1991: 69)

آ خداي سومري آب‌های تازه دارای شکل ماهی یا بزی با دم ماهی است (اصل و منشاء برج جدی است). کاهنان آن در دوره نو آشوری جامه‌ای به صورت ماهی به تن داشتند. ماهی نقش محافظ را نیز ایفا می‌کند. پیکر گاو مرد ریش‌دار که پوست ماهی بر تن دارد اولین بار در هنر دوره کاسی پدیدار گشت و سپس به آشور رسید و در هنر دوره نو بابلی - آشوری متداول گردید. حضور این نوع پیکره در دروازه‌های دربار آشوری و کنده‌کاری معبد نشانگر طبیعت و محافظ جادویی آن است (هال، ۱۳۸۰: ۱۲۲). در اسطوره‌های ایرانی به این نقش ماهی اشاره شده

جایگاه درخت در باورهای اعتقادی و اسطوره‌ای ایرانی - بین‌النهرینی

است. در بندهش، (بخش ۹ بند ۱۵۰) چنین توصیف شده است که: «گوید به دین که هوم سپید که گوگرد درخت خوانند، در دریای فراخکرد، بدان دریای ژرف، رسته است برای فرشگردسازی دریابد، زیرا انوشکی را از او آریند. اهریمن به دشمنی با او، در آن ژرف آب، وزغی آفریده است که آن هوم را از میان برده باز داشتن آن وزغ را، هر مزد دو ماهی کز آن جا بیافریده است، که پیرامون هوم همواره می‌گردند. یکی از آن‌ها ماهیان را همیشه سر به سوی وزغ است. جایی است که آن ماهی را ارزمای نوشتی است (فرنبغ دادگی، ۱۳۸۵: ۱۵۱).

۷-۸- آب - درخت

در دنیای باستان آب از عناصر بود و ماده اصلی و سرچشمه حیات تمام موجودات به‌شمار می‌رفت و گاهی به شکل اقیانوس به گرد زمین می‌چرخید و دنیا را به چهار بخش تقسیم می‌کرد. این آب‌ها رودهای زندگی بودند و نقش آن‌ها که اغلب بر روی ظروف دوران باستان دیده می‌شود بر روی سفالینه‌های سومری مکشوفه بین‌النهرین نیز این توصیف به تصویر کشیده شده است (خوانساری، ۱۳۸۳: ۳۵). در کهن‌ترین مرحله خط تصویری سومری خط موج آ، آب یعنی رودخانه‌ها را می‌رساند. بعدها به علائم خط تصویری در وسط نوار موج ماهی و یا در کنار آن گیاه افزودند. بر روی لوحی به خط بدوی ایلامی نیز گیاه و ماهی به آب افزوده شده است (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۴۳). در شوش A این علامت مفهوم آب یا رودخانه جاری را می‌رساند. نماد گیاه یا درخت نیز که کنار آب روئیده از نقوش شوش A است (همان: ۴۴).

براساس توصیفات اسطوره‌ای درخت کیهانی ریشه بر آب‌های کیهانی دارد، در نقوش مانوی و متنی که آن را توصیف می‌کند آمده است: «در کنار آبگیر کیهانی درخت کیهانی می‌روید که بر یک سویش خرداد و سوی دیگرش مرداد زانو بر زمین زده است» (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۰۸۵). توصیف درخت در کنار آب کیهانی نیز در سفالینه‌ای از میان‌رودان به تصویر کشیده شده است (بختورتاش، ۱۳۸۰: ۶۰). در میان آثار مفرغی لرستان تعدادی فنجان به شکل ساغر دیده می‌شود که اغلب نقش مایه‌های آن‌ها تأثیرات آشوری را نشان می‌دهد. روی یکی نخل مقدسی است که

برگرفته از برگ نخل آشوری است که در گلدانی کروی قرار گرفته و نمونه دیگر گلدان را با دو نهر آب بدون نخل همراه اسفنکس‌های نر و ماده نشان می‌دهد (پوپ، ۱۳۸۷: ۳۳۷). لازم به ذکر است که درخت قرار گرفته در سبو همراه با آب مختص ایران نبوده و در قصر سلطنتی شاه زیمیری لیم در ماری هزاره دوم ق.م نیز به چشم می‌خورد. به‌طور کلی در فرهنگ اساطیری درخت و نمادهای وابسته به آنچه در اساطیر ایرانی چه بین‌النهرینی تأثیرگذار بر اندیشه آدمی بوده‌اند. ستایش درختان در همه دوران‌ها و در پدیده‌های دینی و جادویی به شکل وسیعی ریشه دوانیده است به‌طوری که این نوع ستایش یک ویژگی الزامی و تکرار شونده در اغلب فرهنگ‌هاست. در پس این تکریم مفاهیمی چون فراوانی و برکت و آفرینش و مرگ و رستاخیز نهفته است.

نتیجه‌گیری

در اسطوره‌های جهان سه صورت کلی مرتبط با نماد درخت ظاهر می‌شود. این صورت‌ها که می‌توان از آن‌ها به عنوان کهن‌الگو یاد کرد به‌عنوان یک بن‌مایه در اسطوره‌ها و آثار هنری تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف ظاهر می‌شود که مفهوم جاودانگی، سرچشمه حیات، تجدید حیات و رستاخیز، مفاهیم اصلی مرتبط با این بن‌مایه‌ها است. از این میان می‌توان از کهن‌الگوی درخت کیهانی نام برد و آن درختی است که در میانه جهان قرار دارد و با نام درخت مرکز و ستون کیهانی شناخته می‌شود. این درخت واسط میان زمین و آسمان است و درخت بس تخمه در ایران و درخت کیشکانو در بین‌النهرین از این نمونه‌اند. مفهوم دوم را می‌توان کهن‌الگوی درخت زندگی نامید. درختی که سرچشمه حیات است و میوه آن بی‌مرگی و جاودانگی است. این درخت به صورت‌های مختلف در اسطوره‌های ایرانی - بین‌النهرینی تکرار می‌شود. درخت هوم در ایران و گیاه جوانی در اسطوره گیل‌گمش در بین‌النهرین به‌عنوان درخت زندگی مطرح می‌شوند. نماد درخت در قالب یک نماد دینی نیز ظاهر می‌شود. مطابق آنچه در قرآن و تورات به آن اشاره شد این درخت در مرکز بهشت واقع شده است. درخت زندگی که درختی حیات بخش است نمادی است از مادر الهه بزرگ که منشأ و سرچشمه حیات است. بر روی آثار کهن،

جایگاه درخت در باورهای اعتقادی و اسطوره‌ای ایرانی - بین‌النهرینی

این الهه در حالی به تصویر کشیده شده است که گیاهی در دستانش دارد. آنچه مسلم است درخت زندگی و درخت کیهانی و یا نخستین گیاه چه در اعتقادات ایرانیان و چه بین‌النهرین یکی از نمونه‌های اصلی و از سرچشمه‌های حیات در اسطوره‌ها است و بازتاب آن را می‌توان در اسطوره‌های مربوط به بهشت و توصیف درخت زندگی واقع در مرکز آن جستجو کرد. نمادها نیز با درخت مرتبط هستند و آن‌ها را می‌توان در رویش حیات گیاهی جستجو کرد. آنچه مسلم است این نمادها زنده‌اند و مفهوم نهفته در پس آن‌ها را می‌توان از طریق پیگیری تطور تاریخی شان با مراجعه به اسطوره‌ها بهتر درک کرد و این موضوعی است که در بررسی هر دو تمدن ایران و بین‌النهرین کاملاً مشاهده می‌گردد. وجود آیین‌های گوناگون و اعتقادات مختلف باعث گردیده که گونه‌ای از آن به سمت و جهت طبیعت گرایش پیدا کند و بعضاً به جهت مددخواهی و ضعف خود نیز هم که شده دست به دامان طبیعت می‌شود که مظهر زیبا و پر قدرت آن گاهی درختان می‌شوند و همین امر در طی گذشت زمان در ذهن حقیقت جوی بشر پرورش می‌یابد و تبدیل به قداست درختانی خاص می‌گردد با آیین‌ها و اعتقادات مختلف. البته از طرفی باید به تشابهات ساختاری و فرمی درخت زندگی در مناطق مختلف از هردو تمدن نیز اشاره کرد که می‌توان آن را دال بر هم‌فکری و هم‌ریشگی تمدن‌ها و مراودات مختلفی دانست که از در کنار هم زندگی کردن مردمان بین‌النهرین و ایران به وجود می‌آمده است.

فهرست منابع:

- 1-آموزگار، ژاله، (۱۳۸۷)، زبان، فرهنگ و اسطوره، تهران، معین
- 2-ایونس، ورونیکا، (۱۳۸۱)، اساطیر هند، ترجمه باجلان فرخی، تهران، اساطیر
- 3-احمدی، بابک، (۱۳۸۰)، حقیقت و زیبایی درس‌های فلسفه هنر، تهران، نشر مرکز
- 4-اکبری، فاطمه، (۱۳۷۴)، پیشینه نقوش بر سفالینه‌های ایرانی، تهران، بی‌نا
- 5-اسماعیل پور، ابوالقاسم، (۱۳۸۷)، اسطوره بیان نمادین، تهران، سروش
- 6-الیاده، میرچا، (۱۳۸۵)، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال سیاری، تهران، سروش
- 7-بختورتاش، نصراله (۱۳۸۰)، نشان رازآمیز گردونه خورشید یا گردونه مهر، تهران، فروهر
- 8-بلک، جرمی و آنتونی گرین، (۱۳۸۵)، فرهنگ‌نامه خدایان، دیوان و نمادهای بین‌النهرین باستان، ترجمه پیمان متین، تهران، امیرکبیر
- 9-بهار، مهرداد، (۱۳۸۱)، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، نشر آگه
- 10------، (۱۳۸۴)، از اسطوره تا تاریخ، تهران، چشمه
- 11-بریان، پیر، (۱۳۸۱)، امپراتوری هخامنشی، ترجمه ناهید فروغان، تهران، قطره

جایگاه درخت در باورهای اعتقادی و اسطوره‌های ایرانی - بین‌النهرینی

12- پوپ، آرتور و فیلیس آکرمن، (۱۳۸۷)، سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا

امروز، ترجمه سیروس پرهام، تهران، علمی و فرهنگی

13- پورداد، ابراهیم، (۱۳۴۷)، یشت‌ها، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران، دانشگاه تهران

14- تسلیمی، نصراله و دیگران، (۱۳۸۹)، آشنایی با میراث هنری و فرهنگی ایران، تهران،

نشر کتاب‌های درسی ایران

15- تفضلی، احمد، (۱۳۵۴)، مینوی خرد، تهران، بنیاد فرهنگ ایران

16- جلالی نائینی، محمدرضا، (۱۳۸۴)، ثنویان در عهد باستان، تهران، طهوری.

17- خوانساری، مهدی و محمدرضا مقتدر و مینوش یوری، (۱۳۸۳)، باغ ایرانی بازتابی

از بهشت، تهران، میراث فرهنگی

18- دادور، ابوالقاسم و الهام منصوری، (۱۳۸۵)، درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران

در عهد باستان، تهران، کلهر

19- دوستخواه، جلیل، (۱۳۸۱)، اوستا، تهران، مروارید

20- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغت‌نامه، ج ۳ و ۷، تهران، بی‌نا

21- دوبوکور، مونیک، (۱۳۸۷)، رمزهای زنده جان، ترجمه جلال ستاری، تهران، نشر مرکز

22-رایشلت، هانس، (۱۳۸۳)، رهیافتی به گاهان زرتشت و متون نو اوستایی، ترجمه

جلیل دوستخواه، تهران، ققنوس

23-راشد محصل، محمد تقی، وزیدگی‌های زادسپرم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی

24-ریاضی، محمدرضا، (۱۳۷۵)، فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران، تهران، دانشگاه

الزهرا

25-شایگان، داریوش، (۱۳۸۶)، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، تهران، امیرکبیر

26-شوالیه‌گری، ژان و آلن گریبان، (۱۳۸۷)، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، تهران،

جیحون

27-صدقیان، مهین‌دخت، (۱۳۸۶)، فرهنگ اسطوره‌های حماسی ایران، تهران، پژوهشگاه

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

28-صراف، محمد رحیم، (۱۳۸۷)، مذهب قوم ایلام، تهران، سمت

29-فریزر، جیمز جورج، (۱۳۸۶)، شاخه زرین پژوهشی در جادو و دین، ترجمه کاظم

فیروزمند، تهران، نگاه

30-فرنبرگ دادگی، فرنبرگ، (۱۳۸۵) بندهش، به کوشش مهرداد بهار، تهران، توس

جایگاه درخت در باورهای اعتقادی و اسطوره‌های ایرانی - بین‌النهرینی

31- قلی‌زاده، خسرو، (۱۳۸۸)، فرهنگ اسطوره‌های ایرانی بر پایه متون پهلوی، تهران، نشر

کتاب پارسه

32- کوپر، ج. سی، (۱۳۸۶)، فرهنگ مصور نمادهای سستی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران،

نشر نو

33- کوک، راجر، (۱۳۸۷)، درخت زندگی، ترجمه سوسن سلیم‌زاده و هلینا میر قائمی،

تهران، جیحون

34- کارنوی، جوزف آلبرت، (۱۳۸۳)، اساطیر ایرانی، ترجمه احمد طباطبایی، تهران، علمی

و فرهنگی

35- کوماراسوامی، آناندا، (۱۳۸۲)، استحاله طبیعت در هنر، ترجمه صالح طباطبایی، تهران،

فرهنگستان هنر

36- کریمال، پیر، (۱۳۷۶)، اسطوره‌های خاورمیانه، ترجمه مجتبی عبدالله‌زاده، مشهد، ترانه

37- گری، جان، (۱۳۷۸)، شناخت اساطیر خاور نزدیک (بین‌النهرین)، ترجمه باجلان

فرخی، تهران، اساطیر

38- گدار، آندره، (۱۳۵۸)، هنر ایران، ترجمه بهروز حبیبی، تهران، دانشگاه ملی

39- لوی استروس، کلود، (۱۳۷۳)، **بررسی ساختاری اسطوره**، ترجمه بهار مختاریان، تهران،

ارغنون

40- مختاریان، بهار، (۱۳۸۷)، **سه گانه مقدس**، درس گفتارهای دوره کارشناسی ارشد، سیر

تطور و تحول نمادهای پیش از اسلام، دانشگاه هنر اصفهان، صص ۱-۱۷.

41- مک کال، هنریتا و دیگران، (۱۳۸۵)، **اسطوره‌های بین‌النهرینی**، ذیل **جهان اسطوره‌ها**،

ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.

42- ملک زاده، فاطمه، (۱۳۸۶)، **این آتش نهفته**، تأثیر مهرپرستی بر حافظ، تهران، نشر

هراز

43- وارنر، واکس، (۱۳۸۷)، **دانشنامه اساطیر جهان**، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران،

اسطوره

44- میرفخرایی، مهشید، (۱۳۶۷)، **روایت پهلوی**، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات

فرهنگی

45- هال، جیمز، (۱۳۸۰)، **فرهنگ نگاره‌ای نهادها در هنر شرق و غرب**، ترجمه رقیه

بهزادی، تهران، فرهنگ معاصر

جایگاه درخت در باورهای اعتقادی و اسطوره‌ای ایرانی - بین‌النهرینی

46-هرتسفلد، ارنست، (۱۳۸۱)، ایران در شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

47-هیلنز، جان، (۱۳۸۷)، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی،

تهران، چشمه

48-یونگ، کارل گوستاو، (۱۳۸۶)، انسان و سمبولهایش، ترجمه محمود سلطانی، تهران،

جامی

49-یاحقی، محمد جعفر، (۱۳۸۶)، فرهنگ اسطوره‌ها و داستان‌واره‌ها، تهران، فرهنگ

معاصر

مقالات:

1-انصاری، جمال، (۱۳۶۶)، گچبری دوران ساسانی و تأثیر آن در هنرهای اسلامی، فصل‌نامه

هنر، شماره سیزدهم

2-جوانی، اصغر، (۱۳۷۳)، هنر و نماد (درخت)، هنرنامه، ش ۷

3-مختاریان، بهار، (۱۳۸۶)، مناره‌ها و گنبدها نشانه چیستند؟ مقاله ارائه شده در هفته

پژوهش، دانشگاه هنر اصفهان، صص ۱-۸

4-میرشکری، محمد، (۱۳۷۹)، دیدار هوم، کتاب ماه هنر، ش ۲۵

منابع خارجی:

- 1- **Baring, Anne, (۱۹۹۱), the mythe of the goddess, Arkana, England.**
- 2- **Curtis,j,(۱۹۹۰),ancient Persia,university birmangam**
- 3- **D-alviella, count Engene goblet ,(۱۹۸۴) ,senator and member of the royak, academy of belgume, published by a. constable and cofe, London**
- 4- **James'. E.O, (۱۹۶۶), Tree of life, studies in the history of religion e.j. Brill. Leiden.**
- 5- **Kell,otmar,(۱۹۹۷),the symbolismof the bibilical world,translated by hallet,indian**
- 6- **L.C, Daniel, leonard,, (۱۹۹۷), myth and symbol, according t. joseph Campbell, Roma publishes.**
- 7- **Shahbazi,a.s (۲۰۰۱),the splendor of iran vilume ۱,ancient times,ferst published by booth- clibbon.**

